

باسمہ تعالیٰ

# علوم و فنون ادبی ۲ (ماہ یازدہم)

درس ششم:

(مجاز، خودارزیابی و کارگاہ تحلیل فصل ۲)

قالب: PDF

بہ کوشش:

مہری پور صیاد

استان کیلان - بندرانزلی

سال تحصیلی:

۱۳۹۹-۱۴۰۰



## درس ششم: مجاز

**حقیقت:** اولین و رایج ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن ما می رسد.  
**مجاز:** (غیر حقیقت) به کار رفتن واژه ای است در غیر معنی حقیقی خود به شرط وجود علاقه (پیوند) و قرینه (نشانه)

**علاقه:** پیوند و ارتباطی است که بین معنای حقیقی و معنای (غیر حقیقی) مجازی یک واژه وجود دارد.  
نکته: اگر علاقه نباشد مجاز هم نخواهد بود.

**قرینه:** نشانه ای در جمله یا بیت است که ذهن را از معنای حقیقی باز می دارد و به معنای (غیر حقیقی) مجازی سوق می دهد.

قرینه ها دو نوع هستند: الف) لفظی ب) معنوی

بیش تر قرینه ها لفظی هستند که به صورت واژه، عبارت کوتاه یا جمله در متن مورد نظر وجود دارند.  
منظور از قرینه معنوی شرایط زمان و مکان و... است که (غیر حقیقی) مجاز بودن واژه را نشان می دهد.

### علت بوجود آمدن مجاز؟

یک علت پیدایی مجاز این است که واژگان محدود اما معناها نامحدود هستند. علت دیگر، مجاز متن را خیال انگیز می کند و زبان را وسعت می بخشد و در سخن موجب ایجاز و مبالغه و زیبایی می گردد.

مثال: حوض بزرگ است

واژه در معنای حقیقی

حوض یخ زد - آب یخ زد

واژه در معنای غیر حقیقی (آب) قرینه

علاقه و پیوند: (محلّیه) حوض مکانی است که آب در آن وجود دارد.

مثال: او را چای به دست دیدم

مجاز از فنجان (چای) قرینه

علاقه و پیوند: (حالیه) ذکر حال (چای) اراده محل (فنجان)

### رایج ترین علاقه ها در آفرینش مجاز عبارتند از:

1- **محلّیه:** محل و مکان یک چیز را ذکر می کنند اما منظور خود آن چیز است.

مثال: بر آشفت ایران و برخاست گرد/ همی هر کسی کرد ساز نبرد

قرینه مجاز از مردم

علاقه: محلّیه (ذکر محل اراده حال = مردم)

مثال: ما را سری است با تو / گر خلق روزگار/ دشمن شوند و سر برود هم بر آن سر هم  
مجاز از اندیشه و قصد و تصمیم قرینه  
علاقه: محلیه (ذکر محل اراده = حال = اندیشه)

مثال: جهان خوردم و کارها راندم  
مجاز از نعمت های جهان قرینه  
علاقه: (محلیه)

**2- حالیه: حال و محتوای یک چیز را به جای آن چیز ذکر می کنند.**

مثال: گل دربر و می در کف و معشوق به کام است / سلطان جهانم به چنین روز غلام است  
مجاز از پیاله شراب قرینه  
علاقه: (ذکر حال اراده محل)

**3- علاقه کلیه: تمام یک چیز به جای جزئی از آن چیز به کار می رود.**

مثال: سرم درد می کند  
مجاز از قسمتی از سر قرینه  
علاقه کلیه (ذکر کل اراده جزء = قسمتی از سر)

مثال: خانه ام خراب شد.  
مجاز از قسمتی از خانه  
علاقه: کلیه قرینه: معنوی

مثال: دست در حلقه آن زلف دو تا نتوان کرد / تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد  
مجاز از سر انگشتان قرینه  
علاقه: کلیه (ذکر کل، اراده جزء = سر انگشتان)

**4- علاقه جزئی: جزئی از یک چیز را به جای تمام آن چیز به کار ببرند**

مثال: پیش دیوار آن چه گویی گوش دار/ تا نباشد در پس دیوار گوش  
مجاز از انسان جاسوس قرینه  
علاقه: جزئی (ذکر جزء اراده کل = انسان)

مثال: رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل / مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا  
مجاز از شعر قرینه  
علاقه: جزئی (هر دو مجاز) (ذکر جزء اراده کل)

**5- علاقه لازمی (همراهی) چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیزی، به جای آن به کار می رود.**

مثال: ماه، دشت لاله ها را روشن کرده بود.  
مجاز از نور (ماه) قرینه

علاقه: لازمی (نور ماه همیشه با ماه همراه است).

مثال من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم / که گاه بر او دست اهریمن باشد  
مجاز از انگشتر قرینه

علاقه: ملازمت و همراهی (نگین همراه انگشتر است).

مثال: محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست / چون رخت از آن توست به یغما چه حاجت است  
قرینه مجاز از کشتن

علاقه: لازمیة (زیرا معمولاً کشتن با خون ریزی همراه است).

**6- علاقه آلیه (ابزاری) ابزاری جانشین کاری می شود که آن کار با آن ابزار انجام می گیرد.**

مثال: بر آشفت عابد که خاموش باش / تو مرد زبان نیستی گوش باش  
قرینه مجاز از سخن قرینه

علاقه: آلیه (زبان وسیله سخن گفتن است).

مثال: از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به در آید  
مجاز از اعمال مجاز از گفتار قرینه

**7- علاقه سببیت: علت (سبب) یک چیزی جانشین معلول (مسبب) می شود**

مثال: این دم شنو که راحت از این دم شود پدید  
مجاز از سخن قرینه

علاقه: سببیه (دم و بازدم سبب سخن می شود).

مثال: دیدم نفسم نمی گیرد و آتشم در هیزم تر او اثر نمی کند.  
مجاز از سخن قرینه

مثال: خسروی کار گدایی کی بود / این به بازویی چو مایی کی بود؟  
علاقه: سببیه مجاز از قدرت (بازو سبب قدرت می شود).

**8- علاقه مسببیت: ذکر معلول (مسبب) و اراده علت (سبب).**

مثال: آب را ببندید - شیر آب را ببندید  
مجاز از شیر آب قرینه

مثال: با جوهر بنویس  
مجاز از خود نویس قرینه

**9- علاقه جنسیت: جنس چیزی به جای آن چیز به کار می رود.**

مثال: یک تکه کاغذ ارزش ندارد که به خاطر آن آدم بکشند  
مجاز از اسکناس قرینه

علاقه: جنسیت (جنس اسکناس از کاغذ است).

مثال: بدان آهن که او سنگ آزمون کرد / تواند بیستون را بی ستون کرد  
مجاز از تیشه قرینه

علاقه: جنس (تیشه از جنس آهن است).

علاقه: جنسیت

مثال: در این سنگم رها کن زار و بی زور / دگر سنگی برونه تا شود گور  
مجاز از قصر قرینه

### 10- علاقه ماکان (آن چه قبلاً بوده است)

مثال: آفرین جان آفرین پاک را / آن که جان بخشید و ایمان خاک را  
مجاز از انسان قرینه

علاقه: ماکان (انسان قبلاً خاک بوده)

### 11- علاقه مایکون (آن چه در آینده می شود)

مثال: به دانشجویی که در آینده دکتری می شود پیشاپیش دکتری می گویند. با علاقه مایکون

مثال: نیننی باغبان چون گل بکارد / چه مایه غم خورد تا گل بر آید  
مجاز از درخت گل قرینه

مثال: چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو

مجاز از شاهزاده (سیاوش) قرینه

علاقه: مایکون (در آینده شاه می شود)

### 12- علاقه شباهت

یکی از مهم ترین علاقه ها، شباهت است زیرا این علاقه آرایه استعاره نوع اول (استعاره مصرّحه آشکار)) را پدید می آورد.

مثال: از من غمزده دل می طلبد غمزه دوست / دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد

قرینه مجاز از چشم زیبا = استعار مصرّحه

علاقه: شباهت (چشم مانند نرگس زیباست)

مثال: سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند / همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند

قرینه قرینه

سرو: مجاز از قد بلند = استعاره مصرّحه

علاقه: شباهت (قد همانند سرو بلند است)

مثال: بتی دارم که گرد گل ز سنبیل سایه بان دارد / بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

بت: مجاز از یار زیبا = استعاره مصرّحه

گل: مجاز از صورت زیبا = استعاره مصرّحه

سنبیل: مجاز از موی زیبا = استعاره مصرّحه

علاقه هر سه مجاز بالا شباهت است (یار همانند بت است) (صورت زیبای او چون گل سرخ است) (موهای او چون سنبل است)

نکته مهم: استعاره مصرّحه در واقع همان مجاز با علاقه شباهت است.

نکته مهم: هر استعاره مصرّحه ای یک مجاز نیز است اما همه مجازها آرایه استعاره مصرّحه نیستند (بعضی از مجازها استعاره مصرّحه هستند)

نکته: برای تشخیص مجاز از استعاره مصرّحه باید ابتدا به دنبال واژه ای بگردید که در معنای غیر حقیقی به کار رفته باشد. سپس به رابطه (علاقه) آن توجه کنید. اگر این رابطه، رابطه شباهت و همانندی باشد با استعاره مصرّحه روبرو هستیم. اگر رابطه و علاقه، همانندی و شباهت نباشد با مجاز روبرو هستیم.

## خودارزیابی درس ششم (مجاز)

### 1- معنای حقیقی و مجازی را در واژه های مشخص شده بررسی کنید.

الف) درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

چرخ: مجاز از فلک (روزگار)

ب) سر آن ندارد امشب برآید آفتابی / چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

سر: مجاز از اندیشه و قصد

پ) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق

سینه: مجاز از انسان شنونده (سینه می تواند مجاز از دل نیز باشد)

### 2- در سروده های زیر مجاز را مشخص کنید.

الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهر بندان دشمن / از خواب دوشینه برخاست / دیدند / زان

مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست

شهر: مجاز از مردم. فردا: مجاز از آینده. مرغ: مجاز از ققنوس

ب) فریشتگان سنگ به وی می زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟

خاکی و آبی: مجاز از انسان

پ) چرا چون لاله خونین دل نباشم که با ما **نرگس** او سر گران کرد  
نرگس: مجاز از چشم

ت) دل **عالمی** بسوزی چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری که نمی کنی مدارا  
عالم: مجاز از مردم

ث) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که **نگین** پادشاهی دهد از کرم گدا را  
نگین: مجاز از انگشتر

### 3- در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص کنید.

**دست** فلک ز کارم وقتی گره گشاید کز یکدیگر گشایی زلف گره گشا را  
دست: مجاز از قدرت (دست می تواند مجاز از سر انگشتان هم باشد)  
گره گشودن: قرینه

### 4- بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید.

سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم و زین درخت همین میوه غم است برم  
قلمرو ادبی: سر: مجاز از موی سر / سرم چون درخت شکوفه دار شد: تشبیه  
درخت در مصراع دوم: استعاره، مصرحه، از موی سفید / میوه غم: تشبیه فشرده.  
تناسب (درخت، شکوفه، میوه، بر)  
قلمرو فکری: غم گرایی و ناامیدی و حسرت از گذشت عمر و پیر شدن

### 5- وزن بیت زیر را مشخص کنید.

بضاعت نیاوردم الا امید خدایا ز عفوم مکن ناامید

ب ض ا ع ت ن یا و ر د م ل لآ اُ مید

- U / - - U / - - U / - - U

خ د ا یا ز ع ف و م ک ن نا اُ مید

- U / - - U / - - U / - - U

ف ع و ل ن / ف ع و ل ن / ف ع و ل ن / ف ع ل

وزن: فعولن، فعولن، فعولن، فعل؛ بحر متقارب مثنی محذوف

## کارگاه تحلیل فصل (2)

### 1- غزل زیر را از نظر سبک شناسی بررسی و تحلیل کنید.

- من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی  
عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی
- دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم  
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی
- آن نه خال است و زنخدان و سرزلف پریشان  
که دل اهل نظر برد که سری است خدایی
- عشق و درویشی و انگشت نمایی و ملامت  
همه سهل است تحمل نکنم بار جدایی
- گفته بودی چو بیایی، غم دل با تو بگویم  
چه بگویم؟ که غم از دل برود چون توییایی
- شمع را باید از این خانه به در بردن و کشتن  
تا به همسایه نگویید که تو در خانه مایی
- سعدی آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد  
که بدانست که در بند تو خوش زرهایی

### پاسخ سوال 1: این غزل سروده سعدی از شاعران سبک عراقی در قرن هفتم است از نظر سبک شناسی

در سبک عراقی، شعر دل نشین و برخوردار از معنای عمیق انسانی و آسمانی می شود و قصیده که در خدمت ستایش بود کم رنگ می شود و غزل که زبان دل و عشق بود گسترش پیدا می کند. در این دوره غزل های عاشقانه و شورانگیز فراوانی سروده شده است، در این غزل سعدی که از شاعران این دوره است ویژگی سبک عراقی دیده می شود.

### از جهت زبانی: لغات فارسی اصیل سبک خراسانی در آن دیده نمی شود اما کاربرد واژه های عربی را

در آن می بینیم. واژگان عربی چون؛ وفا، عهد، عیب، اول، عشق، ملامت، سهل، تحمل، خال، زلف، اهل نظر، سر، سعدی. کاربرد «در» به جای «اندر» در عبارت «که تو در خانه مایی» از طرفی واژگانی در این غزل مشاهده می کنیم که با معنا و کاربرد امروزی خود متفاوت است مانند «کشتن» در معنای «خاموش کردن» و «خوب» در معنای «زیبا»

### از جهت قلمرو ادبی: قالب شعر، غزل است و قافیه های آن: وفایی، نیایی، چرایی، خدایی، جدایی،

بیایی، رهایی، وزن غزل چهار بار فعلاتن در هر مصراع است. البته در بعضی از مصراع ها شاعر از اختیار وزنی نوع دوم بهره برده و به جای فعلاتن اول، رکن فاعلاتن آورده است. (فاعلاتن، فعلاتن، فعلاتن،



فعالتن) هم چنین تخلص شاعر در این دوره در انتهای غزل تثبیت می شود که در این غزل هم می بینیم  
«سعدی»

توجه به علوم ادبی مثل بیان و بدیع در سبک عراقی بیشتر می شود که در این غزل سعدی به کارگیری  
این علوم ادبی مشاهده می شود. تناسب: بی مهر و فا و عهد ناستن. دل به تو دادم: کنایه/ انگشت نمایی:  
کنایه/ بار جدایی: تشبیه/برود و بیایی: تضاد/ تناسب: خال و زنخدان، زلف/ خال و زنخدان همانند سر  
است: تشبیه/ از کمند گریختن: کنایه/ بند: مجاز از زندان.

از جهت فکری: بارزترین ویژگی قالب غزل بیان عواطف و احساسات شخصی است که در غزل سعدی  
دید می شود. درون مایه این غزل، ستایش عشق و متعالی و آسمانی شدن معشوق و غم گرایی، فراق از  
معشوق است.

## 2- متن زیر را از نظر زیبایی شناسی بررسی نمایید.

«فرش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرسوده تا بنات نبات در مهد زمین  
پرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبال سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه  
شکوه بر سر نهاده.»

**پاسخ سؤال دوم:** این متن از گلستان سعدی متعلق به قرن هفتم است از نظر زیبایی شناسی، آرایه هایی  
از نوع بیانی و بدیعی در آن دیده می شود. آرایه های بیانی چون تشبیه فشرده که در فرش باد صبا، دایه  
ابر بهاری بنات نبات، مهد زمین، قبال سبز ورق، اطفال شاخ و کلاه شکوه وجود دارد. و آرایه تشخیص  
در عبارت؛ «باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد  
زمین پرورد. بر سر اطفال شاخ کلاه شکوه نهاده.» آرایه استعاره مصرحه در «فرش زمردین» آرایه های  
بدیعی؛ سجع «گفته، فرموده» «بگسترد و پرورد» «گرفته، نهاده» تناسب در «فرش، فرش، بگسترد» و  
تناسب «دایه، مهد و پرورد». تناسب «ورق، سبز درختان، شاخ، شکوه، موسم و .....» جناس ناقص در  
بنات و نبات.

### 3- وزن بیت زیر را بنویسید.

زیزدان دان، نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد      که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی

ز	یز	دان	دان	ن	از	ار	کان	ک	کو	تهد	دی	د	گی	با	شد
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
ک	خط	طی	کز	خ	رد	خی	زد	ت	آن	را	از	ب	نان	بی	نی
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
م	فا	عی	لن	م	فا	عی	لن	م	فا	عی	لن	م	فا	عی	لن

وزن: مفاعیلین، مفاعیلین، مفاعیلین، مفاعیلین، بحر هزج مثنیٰ سالم

## پایان